

پاسخنامه پیشنهادی و تشریحی سوالات درس

آین دادرسی مدنی

آزمون و کالت ۱۳۹۹ اسکوادا

امین قاسم‌پور، دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران، حائز درصد ۱۰۰ در درس آ.م.د. آزمون و کالت ۱۳۹۵

مقدمه و بررسی کلی

با سلام و عرض ادب و خسته‌نشاید خدمت داوطلبان مطلوب آزمون ۱۳۹۹ !! علت این توصیف، ناگفته مشخص است و اگر کرونا علت منحصر تأخیرهای چندباره آزمون بود، جای تأسف کمتری بود؛ بگذریم... .

این پاسخنامه را در حالی تدوین می‌کنم که در اوج مشغله کاری هستم؛ لکن با توجه به تعدد درخواست داوطلب‌ها در این زمینه و البته عشق و علاقه‌ام به کمک کردن به این عزیزان، (چنانکه خود، روزی اضطراب فعلی ایشان را داشتم) موجب شد در هر حال به نگارش این نوشتار بپردازم.

پیش از بررسی پاسخ سوالات درس آین دادرسی مدنی آزمون و کالت ۱۳۹۹، در نگاهی کلی و آماری به این سوالات می‌توان گفت:

* سوالات، امسال هم تا حد زیادی مبتنی بر متن قوانین است و البته این بار برخی سوالات به گونه‌ای ریز و نکته‌ای طراحی شده به طوری که پاسخ به آنها نیازمند نکته‌سنجدی و دقت است. البته یک سوال نیز عیناً از متن کتاب «اجرای احکام مدنی» دکتر شمس طرح شده و تا حدی از متن قانون فراتر رفته است؛ سنتی که هر ساله در آزمون و کالت دیده می‌شود.

* اقلًا ۷ سوال در این درس، در آزمون‌های سال‌ها قبل، یا عیناً طرح شده و یا تا حد بسیار زیادی مشابه آن دیده شده است؛ مشابهتی که برای تکراری دانستن سوال جدید کافی است. چنانکه که اگر داوطلبی تنها با الگوریتم «استفاده از دیتابیس قبلی» قصد پاسخ‌گویی به سوالات این درس را داشت، می‌توانست اقلًا در حد ۳۵٪ پاسخ‌دهی داشته باشد.

* قانون توزیع نرمال گزینه‌ها (از ۲۰ پاسخ، فراوانی هر گزینه: ۵ مرتبه) همانند آزمون سال گذشته، در این درس رعایت نشد.

* به جز یک یا دو مورد نه چندان مهم، ایراد فنی یا علمی چندانی به سوالات وارد نیست (البته این نظر را در حد بضاعت علمی خودم عرض می‌کنم).).

* از ۲۰ سوال، ۹ سوال از قوانین خاص (در معنای عام) طرح شده است: یعنی ۸ سوال از قوانین موضوعه مجلس و لایحه استقلال، و یک سوال از وحدت رویه. البته با این فرض که در مورد سوال ۳۴ (تشخیص خلاف شرع بین بودن رأی توسط رئیس قوه...)، قانون آ.د.ک. را یک قانون خاص ندانیم.

در ادامه، به بررسی پاسخ تک‌تک سوالات می‌پردازیم؛ ضمن تذکر این نکته که در تاریخ تدوین این پاسخنامه، هنوز دفترچه رسمی و کلید رسمی آزمون توسط سازمان سنجش منتشر نشده و این پاسخ‌ها بر اساس نسخه غیر رسمی دفترچه نوشته شده است.

پاسخ سوال ۲۱

گزینه ۳ – در هر حال، نام و مشخصات مجنون باید به عنوان (خواهان) در دادخواست قید شود.

بیینید، یه آدمی فوت کرده و حقوق مالیش قهراً به ورثه می‌رسه و می‌دونیم که این، «اشخاص» هستند که طرف حق یا تکلیف قرار می‌گیرند و محجور هم به هر حال «شخصیت» داره و اسم خودش باید به عنوان خواهان قید بشه و البته نماینده قانونیش هم باید در قسمت مربوطه اسم خودش رو به عنوان نماینده بنویسه. اگه قرار بود اسم ولیّ خاص یا قیّم به عنوان خواهان قید بشه پس دیگه پیش‌بینی یه ردیف مستقل به نام «نماینده قانونی/وکیل...» در دادخواست بی‌معنی بود. این سوال، پر تکرار هست و در آزمون‌های قبلی هم اومده؛ از جمله سوال ۲۵ از جمله آزمون وکالت ۱۳۹۵:

۲۵ - اگر وجه نقد مورد مطالبه در دعوا متعلق به مجنونی باشد که جنون او متصل به زمان صغیر نیست، خواهان

دعوا کیست؟

- (۱) محجور
- (۲) قیّم
- (۳) ولیّ خاص
- (۴) اداره سرپرستی صغار و مجانین

یه نکته‌ای هم که یذره جالب به نظر می‌رسه اینه که ظاهرا طراح سوال در هر دو مورد مایل بوده که داوطلب رو حسب متصل بودن یا نبودن جنون به ایام صغیر، به اشتباه بندازها در حالی که از این حیث فرقی وجود نداره.

پاسخ سوال ۲۲

گزینه ۴ – دستور مؤقت، تأمین خواسته، تغییر خواسته

به محض اینکه این سوالو دیدم یادم به سوال مشابه در آزمون وکالت گذشته و باز هم سال ۱۳۹۵ که خودم شرکت کردم افتاد:

۲۱ - اگر در وکالتname وکیل دادگستری تصریح نشده باشد، وکیل حق اقدام در کدامیک از موارد زیر را دارد؟

- (۱) درخواست دستور مؤقت، افزایش خواسته، تعیین داور
- (۲) درخواست دستور مؤقت، ارجاع به داوری، دفاع از دعوای مقابل
- (۳) درخواست تأمین خواسته، افزایش خواسته، اعتراض به حکم غایابی
- (۴) درخواست تأمین خواسته، درخواست دستور مؤقت، افزایش خواسته

این سوال از ماده ۳۵ قانون آدم هست و انصافاً جزء سوالات نسبتاً سخت تلقی می‌شه و بهترین روش پاسخ‌گویی به اینجور سوالات، استفاده از روش «قلپذیری و اخراج اکثر» هست که در جزو «مدیریت مطالعه برای آزمون وکالت» تشریح کردم. در واقع به روش سلبی و حذف گزینه باید بهش پاسخ داد. هرچند استاد شمس در تأییفاتش بهش اشاره کرده و اگه کسی کتاب خونده باشه، به صورت ایجابی هم می‌توانه پاسخ سوال رو بده.

یه نکته کنکوری مهم (تکنیک تست‌زنی) هم که از این دو تست مشابه می‌شه استخراج کرد اینه که (علاوه بر نظر اساتید حقوق که در اینجا کاری باهش نداریم) از نظر طراح تست وکالت هم تغییر خواسته، مفهومی مستقل از کاهش یا افزایش خواسته هست؛ نه اینکه اعم از اون باشه. در واقع رابطه‌شون تباینه.

پاسخ سوال ۲۳

گزینه ۲ – هیچ حق تقدّمی به وجود نمی‌آید.

این سوال هم اقل‌اً پنج‌شیش بار در ده سال اخیر تکرار شده و یکی از جملات معروف استاد شمس در جلد سوم آیین دادرسی مدنی هست...

در بحث قرار تأمین خواسته، چیزی که حق تقدّم ایجاد می‌کنه، «اجرا»‌ای اون هست نه صدور یا ابلاغ.

در این مورد ر.ک. بند ۷۸۴ جلد سوم پیشرفتنه (آثار قرار پیش از اجرا) که حدوداً صفحه ۴۵۵ کتاب می‌شه؛ من روی چاپ قدیم آدرس دادم؛ البته در دوره بنیادین هم اشاره شده.

مراقب باشید تبصره ۲ ماده ۱۹ قانون نحوه اجرای محاکومیت‌های مالی ربطی به این موضوع نداره و البته تنها موردی که عبارت «تأمین خواسته» در اون قانون بکار رفته همین تبصره هست. ضمناً بہتر بود که در گزینه ۱ بجای اینکه به صورت مطلق می‌گفت «ابلاغ»، بگه «ابلاغ به خوانده»؛ تا ابلاغ به واحد اجرا از شمول گزینه خارج بشه؛ هرچند به قرینه متن سوال، می‌شه فهمید که منظور گزینه، ابلاغ به خوانده بوده.

پاسخ سوال ۲۴

گزینه ۳—قابل فرجام است.

این سوال اگرچه از اطلاق بند «ب» م. ۳۶۸ قانون آدم هم برミاد اما ظاهراً طراح سوال می‌خواسته از وحدت رویه (۱۳۹۹/۵/۱۴) سوال بده؛ مورد اختلاف در وحدت رویه هم عقد وقف بوده و طراح فقط مثال رو عوض کرده و تبدیلش کرده به «نکاح». هر دو دعوا در زمرة دعاوی قابل فرجام هستند.

پاسخ سوال ۲۵

گزینه ۱—اگر مال غیرمنقول باشد و محکوم‌له آن را در مقابل طلب خود قبول کرده باشد، مالک می‌تواند ظرف دو ماه، با پرداخت کلیه بدھی و خسارات و هزینه‌های اجرایی، مانع انتقال ملک به محکوم‌له شود. (ماره ۱۴۴ قانون ابرای اهلام مدنی)

پاسخ سوال ۲۶

گزینه ۱—قانون زمان طرح دعوا—قانون زمان طرح دعوا

این سوال از دسته از سوالاییه که با ظرافت طرح شده و طراح تست با اشراف کاملی که به بعد روانی داوطلب‌ها داشته تست رو اینطور طرح کرده؛ ظرافتشم اینه که ما دو تا ماده داریم که یکیش راجع به دلایلی هست که واسه اثبات عقود یا ایقاعات... اقامه میشن (م. ۱۹۵) و اصولاً تابع زمان انشاء (یا به قول مقнن جان: «زمان انعقاد») هستند و یکی هم راجع به وقایع حقوقی هست (م. ۱۹۶) که ملاک اعتبارشون، زمان طرح دعوا است.

در این تست، طراح میدونسته که این بحث در ذهن اکثر داوطلب‌ها به صورت زوج (دو قابی) شکل گرفته و داوطلب غیرحرفه‌ای، با دیدن این تست، فوراً توی گزینه‌ها دنبال گزینه‌ای می‌گرده که یکیش زمان طرح دعوا رو بگه و یکیش زمان وقوع اون واقعه حقوقی؛ در حالی که سوال داره در مورد پارامترهایی صحبت میکنه که هر دو تاش مشمول قانون زمان طرح دعوا هستند: یکی بحث «ازش اثباتی» هست که ماده ۱۹۶ داره در موردهش نطق میکنه؛ یکی هم بحث «آین بکارگیری دلیل» هست که جزء قواعد آمرة آین دادرسی هست و هر قانونی راجع بهش وضع بشه «اثر فوری» (Effet immédiat) داره و لاجرم تابع قانون زمان طرح دعوا میشه؛ جهت مطالعه بیشتر ر.ک. پاراگراف شماره ۲۲۲ جلد سوم پیشرفته دکتر شمس.

پاسخ سوال ۲۷

گزینه ۴—موضوع و دلایل آن از طرف کانون وکلا به دادگاه انتظامی وکلا اعلام و درخواست رسیدگی می‌شود و این دادگاه رأی مقتضی صادر می‌کند، اما پروانه وکالت وکیل تا صدور حکم قطعی معتبر خواهد بود. (تبصره ۵.۳.۲ قانون کیفیت)

پاسخ سوال ۲۸

گزینه ۳—معادل قیمت مال از دارایی ثالث بازدادشت می‌شود، اما ثالث چنانچه مدعی باشد که مال قبل از مطالبه اجرا، بدون تعدی و تغیریط او تلف شده، می‌تواند با اقدام قانونی در دادگاه، قرار توقيف عملیات اجرایی بگیرد. (۹۳ قانون ابرای اهلام مدنی)

پاسخ سوال ۲۹

گزینه ۲—اعتراض مانع اجرا نیست، مگر آن که دلایل اعتراض قوی باشد و دادگاه قرار توقف عملیات اجرایی را صادر کند. در صورت اقتضا، تأمین مناسب از معترض اخذ می‌شود.

این سوال و ملاکش هم تکراری و البته جزو معرفت‌ترین تست‌های آزمون وکالت هست و من هم بارها در کanal، این تست و نکته‌هاشو مطرح کردم. به عنوان مثال، تست ۳۶ آزمون وکالت ۹۶ رو ببینید:

۳۶—محکوم‌له رأی داوری، درخواست اجرای رأی داور می‌کند. اجراییه صادر و عملیات اجرایی آغاز می‌شود. چنانچه محکوم‌علیه رأی داوری، درخواست صدور حکم بطلان رأی داور نماید و دادگاه نخستین حکم به بطلان رأی داور صادر کند و این حکم قابل تجدیدنظر باشد، کدام مورد صحیح است؟

(۱) فقط درصورتی که رأی داوری در دعوای مالی صادر شده باشد، اجرای رأی داوری تا رسیدگی به اصل دعوا و قطعی شدن حکم به بطلان رأی داور، متوقف می‌ماند.

(۲) فقط درصورتی که رأی داوری در دعوای غیرمالی صادر شده باشد، اجرای رأی داوری تا رسیدگی به اصل دعوا و قطعی شدن حکم به بطلان رأی داور، متوقف می‌ماند.

(۳) اجرای رأی داور تا رسیدگی به اصل دعوا و قطعی شدن حکم به بطلان رأی داور، متوقف می‌ماند.

(۴) با توجه به غیرقطعی بودن حکم دادگاه نخستین، اجرای رأی داور ادامه دارد.

همونطور که بنده در سال ۱۳۹۶ در پاسخ به سوال ۳۶ گفتم و قبل ام در جزوء مقایسه‌ای آیین دادرسی مدنی روش تأکید کردم، این تست یکی از مصادیق بارز تست‌هایی که با جمود بر الفاظ قانون طرح شده و نباید توش دنبال منطق باشیم؛ جمودشم اینه که در بحث داوری دو تا عبارت کلیدی داریم: «اعتراض / معتبر» (م. ۴۹۳) و همچنین «باطل / بطلان» (م. ۴۸۹ و ۴۹۰)؛ سپس: «باطل / بطلان» یک عبارت کلیدی واسه حالتیه که توقف اجرای رأی نیازمند اخذ تأمین نیست و «اعتراض / معتبر»، کلید حالتیه که توقف اجرای رأی نیازمند اخذ تأمین هست! ص. ۱۲ جزوء مقایسه‌ای آیین دادرسی مدنی رو ببینیم؛ فکر میکنم دیگه بحث به حد کافی روشن میشه:

مقایسه شوند:

- ماده ۴۸۹- رأی داوری در موارد زیر باطل است و قابلیت اجرایی ندارد:
- ۱- رأی صادره مخالف با قوانین موجود حق باشد.
 - ۲- داور نسبت به مطلبی که موضوع داوری نبوده رأی صادر کرده است.
 - ۳- داور خارج از حدود اختیار خود رأی صادر نموده باشد. در این صورت فقط آن قسمت از رأی که خارج از اختیارات داور است بطلان می‌گردد.
 - ۴- رأی داور پس از انقضای مدت داوری صادر و تسلیم شده باشد.
 - ۵- رأی داور با آنچه در دفتر املاک یا بین اصحاب دعوا در دفتر استناد رسمی ثبت شده و دارای اعتبار قانونی است مخالف باشد.
 - ۶- رأی بهوسیله داورانی صادرشده که مجازبه صدور رأی نبوده‌اند.
 - ۷- قرارداد رجوع به داوری بی اعتبار بوده باشد.

ماده ۴۹۰- در مورد ماده فوق هریک از طرفین می‌تواند ظرف بیست روز بعد از ابلاغ رأی داور از دادگاهی که دعوا را ارجاع به داوری کرده یادداگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد، حکم به بطلان رأی داور را بخواهد در این صورت دادگاه مکلف است به درخواست رسیدگی کرده، هرگاه رأی از موارد مذکور در ماده فوق باشد حکم به بطلان آن دهد و تا رسیدگی به اصل دعوا و قطعی شدن حکم به بطلان، رأی داور متوقف می‌ماند.

امین قاسمی‌بور
رتبه ۳۱ آزمون و کالت - ۹۵ - مرکز

: با

ماده ۴۹۳- اعتراض به رأی داور مانع اجرای آن نیست، مگر آنکه دلایل اعتراض قوی باشد. در این صورت دادگاه قرار توقف منع اجرای آن را تایپان رسیدگی به اعتراض و صدور حکم قطعی صادر می‌نماید و در صورت اقتضاء تأمین مناسب نیز از معتبر اخذ خواهد شد.

يعني:

«باطل / بطلان» کلیدی حالتی است که توقف اجرای رأی نیازمند اخذ تأمین نیست و «اعتراض»، کلیدی حالتی است که توقف اجرای رأی نیازمند اخذ تأمین است.

البته درسته که تست سال ۹۶ در مورد بحث بطلان (نه اعتراض) هست ولی تست ۲۹ آزمون ۹۹ (اعتراض) هم عیناً در آزمون‌های گذشته دیده شده.

پاسخ سوال ۳۰

گزینه ۱- دادگاه باید قرار رد دعوى به استناد همان حکم قطعی به سبب امر قضاؤت شده صادر کند.

قائم مقام (عام یا خاص) در اینجور موارد (نه در همه موارد)، کأنه خود همون نفر قبلیه و «طرف» جدید محسوب نمیشه؛ پس اعتبار امر مختوم هنوز برقراره؛ و اما بعد: قرار رد دعوا اعتبار امر مختوم نداره تا باخاطرش در دعوای جدید، بازم رد دعوا صادر بشه؛ در فرض سوال، اون چیزی که عیب کار هست، وجود یک حکم قطعیه و هر بار که اون دعوا طرح میشه، باخاطر همون مانع اصلی (وجود حکم قطعی در امر ترافعی) قرار رد صادر میشه. مراقب باشید! این بحث «قائم مقامی» بحث خطرناک و زهرداری هست و اکثر داوطلبها تست و سوالاتش رو اشتباه پاسخ میدن... . جالبه همین پنج شنبه اخیر (۱۴۰۰/۴/۲۴) در امتحان پایان ترم یکی از دانشگاه‌ها مشابه همین سوال (و همچنین مشابه سوال ۱۶ آزمون ۹۹: استداد مال باخته شده در گروبندی) رو واسه بچه‌های آیین دادرسی مدنی ۳ طرح کردم و سر کلاس (در طول ترم) هم شونصدبار! گفته بودم که این سوال مهمه، جوابشم اینه و احتمال زیاد توی امتحان میاد؛ با این وجود بازم خیبیلی‌هاشون اشتباه پاسخ دادند... (+اون استیکره که دستشو زده رو صورت شد!)

به دوستانی که میخوان بحث قائم مقامی رو عمیق کار کنند اکیداً توصیه می‌کنم به جای توسل به جزووهای موسسه‌ای و...، مستقیماً کتب مرجع رو بخونند؛ قائم مقامی در حقوق ایران به خوبی واکاوی نشده و خودش انواع و اقسام داره؛ در یک تقسیم‌بندی عمدۀ در حقوق فرانسه، قائم مقامی به دو نوع قائم مقامی عینی (Subrogation Réelle) و قائم مقامی شخصی (Subrogation Personnelle) تقسیم‌بندی میشه (انواع دیگهای هم هست...). دوستانی که فرانسه تسلط دارند با عبارات کلیدی ذکر شده یا مشابهش می‌تونند در اسپرینگر مقالات خوبی بدست بیارند. میدونم در بین داوطلب‌های آزمون وکالت، از هزار نفر شاید یک نفر به این توصیه‌ها عمل کنه، اما در حد همون یک نفر هم واسه من ارزشمنده که تونسته باشم به کسی کمک کنم.

پاسخ سوال ۳۱

گزینه ۱- نمی‌تواند قرار رد دادخواست و یا دعوی تجدیدنظر را صادر کند.

دوستان این تست هم معروف و تکراری هست در آزمون‌های قبل هم مشابهش چندین بار تکرار شده. وقتی بدوى رأى رو صادر می‌کنه و ذی‌نفع نسبت به اون رأى درخواست تجدیدنظر می‌کنه، اعم از اینکه توصیف رأى از حیث قطعی یا قابل تجدیدنظر بودن به درستی صورت گرفته باشه یا خیر، دادگاه بدوى که صلاحیتش خاتمه پیدا کرده، نمی‌تونه از این جهت دخالتی بکنه و باید در هر حال دادخواست رو بفرسته دادگاه بالا... دیگه خود دادگاه تجدیدنظر میدونه که چیکار کنه با اون دادخواست و حسب اینکه اون رأى قابل اعتراض بوده یا خیر، رأى مقتضی صادر می‌کنه. به نظرم اینکه خوانده در هیچ‌یک از جلسات حاضر نشده... مثل همون بحث متصل بودن جنون به دوران صغیر (تست ۲۱) نکته انحرافی باشه.

پاسخ سوال ۳۲

گزینه ۴- رأى تصحیحی از اعتبار خواهد افتاد.

تبصره ۲ م. ۳۰۹ ق.آ.د.م: «چنانچه رأى مورد تصحیح به واسطه واخواهی یا تجدیدنظر یا فرجام نقض گردد رأى تصحیحی نیز از اعتبار خواهد افتاد.»

پاسخ سوال ۳۳

گزینه ۲- دیه، ضرر و زیان ناشی از جرم، وجه سفته و وجه چک

ماده ۲۲ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های مالی: «کلیه محکومیت‌های مالی از جمله دیه، ضرر و زیان ناشی از جرم، رد مال و امثال آنها جز محکومیت به پرداخت جزای نقدی، مشمول این قانون خواهند بود.»

اولاً باید بپذیریم که متن سوال از نظر رسایی و گویایی، یکم گنگ تدوین شده و انگار کرتایی داره ولی به هر حال منظور سوال کننده رو میرسونه. ثانیاً چون این آزمون وکالت بوده، طرآح تست به خودش اجازه نداده که از دستور العمل‌های این آزمون فاصله زیادی بگیره و سوال رو خیلی مفهومی کنه؛ خصوصاً اینکه منبع طرح سوال، قانون خاص بوده؛ فقط در همین حد پیش رفته که وجه چک و سفته رو آورده تا بینه داوطلب با اندکی تحلیل متوجه میشے که اینم یکی از مصادیق محکومیت‌های مالی هست یا خیر...؛ و اکثر داوطلب‌ها هم به راحتی متوجه این قضیه میشن؛ مسلماً اگه آزمون کارشناسی ارشد یا دکتری سراسری بود هرگ سوال رو تا این حد نزدیک به نص نمی‌دادند. ضمناً گزینه‌های دیگه با توجه به عبارت «از جمله» در متن ماده، غلط میشن، چون ماده؛ تمثیلی صحبت کرده و گزینه‌های دیگه با ذکر واژه «فقط»، جنبه حصری به قضیه دادند.

پاسخ سوال ۳۴

گزینه ۴- به شعبه خاص دیوان عالی کشور ارسال می‌شود که باید حکم را نقض و پس از رسیدگی شکلی و ماهوی رأى مقتضی صادر کند.

این تست توضیح خاصی نداره و از ماده ۴۷۷ قانون آ.د.ک. طرح شده. فقط یه نکته داره که البته کلی هست: ببینید فراز اخیر ماده اینجور میگه: «شعب خاص مذکور مبنیاً بر خلاف شرع بین اعلام شده، رأى قطعی قبلی را نقض و رسیدگی مجدد اعم از شکلی و ماهوی به عمل می‌آورند و رأى مقتضی صادر می‌نمایند.»

همونطور که می‌بینیم این جمله، یه جمله ظاهراً خبریه و باید بدونیم که بسیاری از جملات خبری قانون، در واقع جمله امری در مقام انشاء هستند و توی آزمون‌ها گاهی می‌بینیم که طرآح تست، اون گزاره خبری قانون رو در قالب یک جمله «باید»ی می‌ریزه و تحويل داوطلب میده؛ مثلاً تست شماره ۴۰ آزمون وکالت ۱۳۹۵ هم دقیقاً به همین سبک، متن قانون رو تبدیل کرده. در واقع اینجور وقتها باید به اصول فقه مسلط باشیم.

پاسخ سوال ۳۵

گزینه ۱- قرار منع تعقیب صادر می‌کند و این قرار، ظرف مهلت مقرر از طرف شاکی و رئیس کانون، قابل شکایت در دادگاه انتظامی و کلا است. (ماره ۱۳ لایه استقلال کانون وکلا)

پاسخ سوال ۳۶

گزینه ۳- فقط چنانچه خویشاوندی نسبی یا سببی بوده و تا درجه سوم از طبقه دوم باشد، وکیل از انجام وکالت ممنوع است.

(در واقع بهتره بگیم: منظور طرآح تست این گزینه بوده)

این تست هم تکراری هست و در آزمون‌های گذشته مشابهش دیده شده. یک نکته مهم در مورد این تست و امثال اون هست که باید بدونیم:

* بحث موارد رد دادرس (نسبت فامیلی و...)، اگر بین دادرس و خود اصحاب دعوا (اصیل‌ها) مطرح بشه، طبق قانون آیین دادرسی مدنی در موردش تصمیم‌گیری میشے.

* اما اگه این بحث بین دادرس و «وکیل» اصحاب دعوا مطرح بشه، طبق قوانین دیگه (مثلاً در مانحن‌فیه، لایحه استقلال) تعیین تکلیف میشے!

در واقع قانون آ.د.م. در مورد نسبت فامیلی بین «دادرس» و «وکلای طرفین» ساخته و در این مورد ماده ۱۳ لایحه استقلال میگه: «در صورتی که وکیل دادگستری یا زوجه او با دادرس یا دادستان یا دادیار یا بازپرس قربت نسبی یا سببی تا درجه سوم از طبقه دوم داشته باشد مستقیماً یا با واسطه از قبول وکالت در آن دادگاه یا نزد آن دادستان یا دادیار یا بازپرس ممنوع است.» و طراح محترم تست هم اومده این مقرر ره رو با بندھای ماده ۹۱ ق.آ.د.م. مقایسه کرده و وقتی دیده که توی لایحه استقلال، خبری از رابطه خادم و مخدومی نیست، به خودش جرأت داده واژه «فقط» رو در گزینه موردنظرش بیاره؛ اگه من جای طراح سوال بودم این کار رو نمی کرم؛ چون ممکن بود یوقت یه جایی در یه قانون خاص دیگه، یه مورد دیگه پیدا و مزید بر این موارد بشه و نهایتاً این «فقط» و حصری بودنی که در گزینه ۳ اومده، نقض بشه؛ قوانین ایران مثل یه اقیانوس بی کران میمونه که راجع به هر چیزی از جمله آینه بغل هوایپما هم ممکنه توش قانون پیدا بشه؛ این قضیه اصلاً زینده نظام حقوقی ما نیست و کارهای تنقیحی باید صورت بگیره که البته میدونم چندسالیه حرکت‌های خوبی در معاونت تنقیح معاونت حقوقی ریاست جمهوری در این خصوص صورت گرفته و باید ادامه پیدا کنه.

پاسخ سوال ۳۷

گزینه ۱—با توجه به محتویات پرونده، رسیدگی و رأی صادر می‌کند.

این سوال در واقع از سکوت قانون دیوان عدالت اداری برداشت و طرح شده. چون هیچ ماده‌ای در قانون این دیوان در این مورد حرفی نزدیک مواد ۷۴ و ۷۵ قانون دیوان هم ارتباطی با این بحث ندارند و فقط ظاهرشون نزدیک به این بحث هست:

ماده ۷۴—چنانچه قاضی شعبه بدوي صادر کننده رأی پی به اشتباه خود ببرد و پرونده به هر علتی به شعبه تجدیدنظر نرفته باشد، با ذکر دلیل پرونده را از طریق رئیس دیوان به شعبه تجدیدنظر ارسال می‌کند. شعبه یادشده با توجه به دلیل ابرازی و در صورت وارد دانستن اشتباه، رأی صادرشده را نقض می‌نماید و هرگاه رأی صادره به صورت قرار باشد پرونده را جهت ادامه رسیدگی به شعبه بدوي اعاده و در غیر این صورت اقدام به رسیدگی ماهوی می‌کند. (این ماده رابع به حالته که پرونده نرفته باشه تبدیرنظر، پس بربطی به سوال نداره).

ماده ۷۵—در صورتی که حداقل یک قاضی از دو قاضی و یا دو قاضی از سه قاضی صادر کننده رأی در شعبه تجدیدنظر، بی به اشتباه شکلی یا ماهوی خود ببرند، مراتب را با ذکر دلیل به رئیس دیوان اعلام می‌دارند. رئیس دیوان پرونده را جهت رسیدگی و صدور رأی به شعبه هم عرض ارجاع می‌دهد. (این ماده هم بربطی به این تست نداره؛ پون تست داره در مورد اشتباه قاضی بدوي صبیت می‌کنه و متن ماده در مورد تبدیرنظر).

خب، حالا که دیدیم حکم خاصی در این قضیه در قانون دیوان نیست، متولّ به عمومات میشیم؛ عمومات هم همون گزینه ۱ هست.

پاسخ سوال ۳۸

گزینه ۴— حتی پیش از سپری شدن یک ماه از تاریخ ابلاغ اجرائیه، به درخواست محکوم‌له صادر می‌شود و این قرار علی القاعده، تا زمان اجرای رأی معتبر می‌ماند.

این پاسخ اگرچه از ظاهر و اطلاق ماده ۲۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی قابل برداشت هست ولی به نظر میرسه طراح محترم سوال به پاراگراف شماره ۷۴۱ جلد اول کتاب «اجرای احکام مدنی» استاد شمس نظر داشته. تصویر این بند رو در ادامه می‌فرستم. قبلش متن ماده رو بینیم: «ماده ۲۳— مرجع اجراکننده رأی باید به تقاضای محکوم‌له قرار ممنوع الخروج بودن محکوم‌ عليه را صادر کند. این قرار تا زمان اجرای رأی یا ثبوت اعسار محکوم‌ عليه یا جلب رضایت محکوم‌له یا سپردن تأمین مناسب یا تحقق کفالت مطابق قانون مدنی به قوت خود باقی است.»

۷۴۱. قرار ممنوع الخروجی محکوم‌ عليه، به درخواست محکوم‌له، چنانچه محکوم‌ عليه
حکم را اجرا نکند باید صادر شود و بنابراین مستلزم سپری شدن مهلت سی روز از تاریخ
ابلاغ اجراییه نمی‌باشد؛ در حقیقت مهلت سی روزه‌ای که به محکوم‌ عليه، برای اقدام به
اجرای اختیاری حکم یا اقامه دعوای اعسار داده شده، به صراحت ماده ۳ ق. ن. ا. م. م،
تنها در جهت پیشگیری از حبس او است. پرسش این است که آیا برای صدور قرار
ممنوعیت خروج از کشور باید مهلت ده روزه اجرای حکم که در ماده ۳۴ ق. ا. م.

به داوطلبان گرامی آزمون کارشناسی ارشد حقوق خصوصی اکیداً توصیه می‌کنم دو جلد این کتاب جدید و ارزشمند رو حتماً خوب بخونند.

پاسخ سوال ۳۹

گزینه ۴—دادگاه

ماده ۴۸۱— در موارد زیر داوری از بین می‌رود: ... ۲— فوت یا حجر یکی از طرفین دعوا.

گزینه ۳- تشخیص این امر با کمیسیون کارآموزی است و چنانچه رئیس کانون وکلا تأیید کند، با رأی دادگاه انتظامی کانون، پروانه کارآموزی ابطال می شود. (تبصره ۳، ۶ قانون کیفیت)

پایان

و من اللہ التوفیق

امین قاسم پور

یکشنبه، ۲۷ تیرماه ۱۴۰۰

* از راههای زیر می توانید با نگارنده تماس بگیرید:

E-Mail: Amin_Ghasempur@yahoo.com

Telegram ID: [@Amin_Ghasempur](https://t.me/Amin_Ghasempur)

Telegram Channel: [@AzmooneVekalat100](https://t.me/AzmooneVekalat100)

آزمون وکالت ۱۳۹۵

(نمره خام) از صد	نام درس	درس
63/33	حقوق مدنی	۱
100/00	آین دادرسی مدنی	۲
71/66	حقوق تجارت	۳
36/66	اصول استنباط حقوق اسلامی	۴
46/66	حقوق جزای عمومی و اختصاصی	۵
95/00	آین دادرسی کیفری	۶

شماره بروندہ	
شماره داوطلبی	
شماره ملی	
نام خانوادگی	
نام	
نام بذر	
سال تولد	
شماره شناسنامه	
جنس	
مرد	
ازاد	
سهمیه	
کانون	
کانون وکلای دادگستری مرکز	
نمره کل تراز نهایی	
10251	
رتبه در کانون و در سهمیه	
31	

Telegram: https://t.me/Amin_Ghasempur
CHANNEL: [@AzmooneVekalat100](https://t.me/AzmooneVekalat100)

توجه: این جزو جهت انتشار رایگان در سایت و کanal اختبار ارائه شده است.

تکثیر و نسخه برداری از آن، بدون قصد سودجویی و «تنها با ذکر منبع» مجاز می باشد؛
در غیر این صورت، شرعاً و قانوناً ضمان آور است.